

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶

صفحات: ۱-۱۶

## رابطه قاعده نفی سییل با معاهده برجام (تعامل یا تعارض)

امن‌اله فرید

دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

**دکتر امراله نیکومنش\***

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

**دکتر علی بهرامی نژاد مغویه**

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### چکیده

با روی کار آمدن دولت جمهوری خواه در سال ۲۰۱۷ میلادی در آمریکا، ایالات متحده آمریکا با خروج یک‌طرفه از توافق برجام، چالش تازه‌ای را برای طرفین ایجاد نمود. محققین در این مقاله، به لحاظ نگاه متخصصانه سردمداران کنونی آمریکا در «نرمال کردن ایران» درصددند با روش توصیفی و تحلیلی رابطه قاعده نفی سییل را با معاهده برجام و اصل وفا به عهد مورد بررسی قرار دهند.

این تحقیق به دیدگاه‌های فقهای متقدم و متاخر در فرض مسئله پرداخته و پایبندی به عهد را در اسلام مشروط به تعهد طرف مقابل می‌دانند و در عین حال، جان مایه قاعده نفی سییل را به نفی سلطه ظالم تفسیر می‌کند، آنچنان که موسوی خمینی، روح‌الله و خامنه‌ای، سیدعلی، رهبران ایران، بدان نظر دارند.

**واژگان کلیدی:** برجام، قاعده، نفی سییل، وفا به عهد، حقوق بین‌الملل.

## مقدمه

نظام جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷.ش و با نگاه به سیره و سنت حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار(ع) و با توجه به آموزه‌های دینی، حسب نیاز و ضرورت‌های زندگی، مینا را بر پایه استقلال، آزادی، جمهوری و عدالت در تعامل با سایر ملل قرار داد و با طرح گفتگوی بین تمدن‌ها، گامی را در جهت تحقق صلح و احترام متقابل در سطح روابط بین‌المللی، به شرط اینکه دولت‌های غیرمسلمان به دولت اسلامی و مسلمانان تعرضی نکرده و به پیمان خویش پای بندباشند، برداشت.

موسوی خمینی، روح الله (ه)، اصل در روابط خارجی دولت اسلامی را چنین تبیین فرموده است: «تمام کشورها اگر احترام ما را حفظ کنند، ما هم احترام متقابل را حفظ خواهیم کرد و اگر دولت‌ها و کشورها بخواهند به ما تحمیلی بکنند، از آن‌ها قبول نخواهیم کرد. نه ظلم به دیگران می‌کنیم و نه زیر بار ظلم دیگران می‌رویم». (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۳۳۸)

بر اساس اصل ۱۵۲، ۱۴۳ و ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و حفظ استقلال که پی‌آمد نفی سلطه‌پذیری است، از اصول سیاست خارجی شمرده شده، و بر همین اساس، هر گونه قراردادی که موجب سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور شود، ممنوع اعلام شده است. به همین جهت، دانشمندان کشور عزیزمان در راستای تحقق استقلال، خودکفایی و رسیدن به جایگاه رفیع علم و معرفت بشری به ویژه در بین کشورهای مسلمان، دانشمندان ایران همچون سده‌های گذشته در تاریخ عظیم تمدنی خود، تلاش و همت‌شان را صرف دستیابی و استفاده صلح‌آمیز از دانش هسته‌ای نمودند، لیکن این موضوع به مذاق قدرتهای برتر و در راس آنان، امریکا خوش نیامد و با شعار اینکه ایران یک تهدید جدی جهانی در برابر صلح بوده و در راه حصول به بمب اتم است، شروع به محدود کردن بهره‌برداری از تجهیزات علمی و دریافت آن از دیگر کشورها و تحریم اقتصادی نمودند. رهبر معظم انقلاب با فتوای اینکه ساخت بمب اتم و استفاده از آن شرعاً حرام است، این گونه بیان می‌دارند که: «اگر علم از فرهنگ صحیح جدا شود، به خطا می‌رود. علم نافع هسته‌ای چون با فرهنگ انسان دوستی همراه نبود، به بمب هسته‌ای منجر شد و امروز، همچنان بمب هسته‌ای تهدید و عامل ترس برای دنیاست. ما با آن که می‌توانستیم قاطعانه و شجاعانه در این راه وارد شویم، اما طبق حکم اسلام وارد این راه نشدیم. هم ساختن بمب اتم و هم نگه داشتن آن غلط است، چون به کار بردن آن حرام است.»

\_\_\_\_\_ رابطه قاعده نفی سبیل با معاهده برجام (تعامل یا تعارض)..... ♦

(سخنرانی رهبر، ۱۷ مهر ۱۳۹۸<sup>۱</sup>). با این رویکرد و برای دستیابی به یک برنامه جامع مشترک هسته‌ای، ایران مذاکره خود را از آبان ۱۳۹۲.ش با کشورهای ۵+۱ (چین، فرانسه، روسیه، بریتانیا، آلمان و ایالات متحده آمریکا) آغاز و در ۲۴ خرداد ۱۳۹۴.ش، با طرفین مذاکره به تفاهم هسته‌ای رسید. امریکا علی‌رغم پایبندی ایران به تمام تعهدات خود، که زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تایید آن صورت پذیرفته، در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ رسماً از برجام خارج و بازگشت به تحریم‌ها را به دلیل زیاده‌خواهی در کسب منافع کشورش و با هدف «نرمال کردن ایران» اعلام کرد. هرچند که ایران نیز طبق مفاد مندرج در برجام تاکنون نسبت به کاهش تعهدات خود عمل نموده است.

بر این اساس، سوالات مهمی فرا روی محققان مطرح است، از جمله:

- دو قاعده نفی سبیل و وفا به عقود و عهود چه رابطه‌ای با یکدیگر در فقه اسلامی دارند؟

- دیدگاه فقیهان متقدم و متاخر در باب کاربرد این دو قاعده طبق مقتضیات زمان در جامعه اسلامی چیست؟

- سیاست جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی در خصوص معاهده برجام ضرورت انطباق با کدام یک از قواعد وفا به عهد یا نفی سبیل را می‌طلبد؟

به نظر می‌رسد بتوان فرضیه‌های ذیل را در خصوص سوالات فوق ذکر مطرح کرد:

- به نظر می‌رسد وفا به عهود مشروط به احترام طرفین می‌باشد.

- فقیهان متقدم و متاخر در خصوص قواعد نفی سبیل و اوفو بالعقود وحدت نظر ندارند. متقدمین در نفی سبیل اغلب عنوان «کفر» را مد نظر قرار داده و متاخرین عنوان «ظلم» را در مانون توجه قرار دادند.

- با توجه به بدعهدی امریکا و خروج یک‌جانبه آن از برجام، لازم است جمهوری اسلامی ایران قاعده نفی سبیل را در معنای ضرورت نفی هرگونه ظلم و ستم و سلطه تفسیر نماید و از برجام مادامی که طرف یا اطراف معاهده به توافقنامه پایبند باشد، حمایت کند و الا فلا.

---

۱- سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع نخبگان و استعداد های درخشان، شبکه خبر.

## ۱. پیشینه پژوهش

در خصوص دو قاعده نفی سبیل و وفای به عهد مقالات متعددی وجود داشته که محققین در این مقاله به برخی از این آثار اشاره می نمایند.

در مقالات و پایان نامه: ۱. کاوشی درباره قلمرو اصول فقه و معاهدات بین المللی از منظر قرآن کریم؛ از موسی ابراهیمزاده ۲. نگرشی نو در مفاد قاعده نفی سبیل و نسبت سنجی آن با اصل عدالت در روابط بین الملل از محسن احمدوند، محمدتقی قبولی، محمدتقی فخعلی ۳. مبانی فقهی حاکم بر تعاملات جمهوری اسلامی ایران با کفار از احمد علی قانع و سید روح ... رضوی ۴. قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از بهادر زارعی، علی زینی وند و کیمیا محمدی ۵. استعانت از کفار در مذاهب اسلامی از حسین زاهدی ۶. درآمدی بر اصول سیاست گذاری در جمهوری اسلامی ایران با بهره گیری از قرآن کریم از فرج اله قاسمی ۷. رابطه قاعده نفی سبیل با استراتژی های مطرح در سیاست خارجی (با تکیه بر آیه نفی سبیل) از اصغر آقا مهدوی و محمود اکبری ۸. تاثیر برجام بر جایگاه راهبردی ایران در نظام بین المللی از رضا خلیلی، محمدکاظم لطفی ۹. واکاوی عوامل موثر بر خروج آمریکا از برجام محسن زمانی، سید امیر نیاکوئی و... ۱۰. پایان نامه با عنوان «بررسی فقهی مفاد برجام بر اساس قواعد فقه سیاسی (نفی سبیل، وفای به عقود و مصلحت) از علی پورعلی.

اما هیچ تحقیق مستقلی در خصوص جایگاه قاعده نفی سبیل در نظام جمهوری اسلامی با تاکید بر معاهده برجام وجود ندارد، جز اینکه منابعی به شکلی که گذشت، هرکدام به نحوی سلطه بیگانگان بر مسلمانان را منع کرده است؛ اما این که آیا برجام ایجاد سلطه می کند و یا یک معاهده الزام آور هست یا نه، و آیا از مصادیق قاعده نفی سبیل قرار می گیرد یا نه، مساله این تحقیق است که تاکنون پاسخ درخوری بدان داده نشده است.

## ۲. ادبیات پژوهش

### ۲-۱- مبنای قاعده نفی سبیل

#### ۲-۱-۱- کتاب

ادله قاعده نفی سبیل را می توان به کتاب، سنت، عقل و اجماع استناد، و مشروعیت آن را از آیه ۱۴۱ سوره نساء قابل استنباط و فهم دانست. در این آیه، خداوند متعال می فرماید: «... فإِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»: در روز قیامت خدا میان شما حکم می کند و او هرگز به سود کافران و به زیان مسلمانان راهی قرار نداده است.

سبیل در کتب لغت معانی متعدد از جمله راه، غلبه، حجت، عتاب و عذاب ذکر شده است. (مفردات راغب اصفهانی، ۱۳۸۷) و معنای مشترکی هم برای سبیل گفته شده که همان غلبه،

\_\_\_\_\_ رابطه قاعده نفی سبیل با معاهده برجام (تعامل یا تعارض)..... ۵

استیلا و سلطه است (عمید زنجانی، ۱۳۹۳: ۲۹-۲۸). و سبیل به معنای حجت در روز قیامت است (بجنوردی، ۱۳۸۶: ۱۸۸). و همچنین، می‌توان این آیه را به معنای نفی حجت از کفار در روز قیامت گرفت و هم معانی دیگر (عمید زنجانی، ۱۳۹۳: ۳۱-۳۰) و علامه طباطبایی فرموده: عدم سبیل در دنیا و آخرت از سوی کفار تا زمانی است که مومنان به لوازم ایمان خود ملتزم باشند (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۱۶) و در اصطلاح، به معنی شریعت و قانون است. با بیان «لن» به صراحت تمام راه‌های نفوذ و سلطه کفار بر مسلمانان مسدود و بسته شده است. و «جعل» در لغت به معنای قراردادن و وضع کردن است (ابن منظور، ۱۳۷۵: ۱۱۰). در اینکه مراد از جعل در آیه شریفه چیست، دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول: مراد، جعل تشریحی است، به این معنا که خداوند متعال در عالم تشریح، حکمی که موجب سبیل و سلطه کافران بر مومنان باشد، وضع نکرده است (بجنوردی، ۱۳۸۶: ۱۸۹).  
نظریه دوم: علی بر جعل تشریحی، جعل تکوینی نیز مراد است، یعنی در عالم تکوین نیز خداوند سبحان برای کفار، غلبه‌ای بر مومنان قرار نداده است، بلکه همیشه مومنان تفوق و غلبه دارند (موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۸: ۷۲۳).

بر اساس نظر اکثر فقیهان و برخی از مفسران شیعه و سنی، تردیدی در مشروعیت (نفی جعل تشریحی) قاعده نفی سبیل به استناد آیه مزبور نیست (سیمایی صراف، ۱۳۷۹: ۲۶). و با امعان نظر در این نکته که احکام شرعی موضوع علم فقه است و در مقابل احکام تکوینی است، مضمون این آیه نفی هر گونه حکمی است که سبب تسلط کفار بر مسلمانان می‌شود (لنکرانی، ۱۴۱۶ق: ۲۴۳). دیدگاه دیگری نیز هست که حتی می‌توان این قاعده به قاعده عام و حاکم (قاعده آمره) بر سایر قواعد و عمومات فقهی دانست که با استناد به آن، هر کاری که موجب تحقق سلطه کافر بر مومنان شود، هم از حیث تکلیفی و هم از حیث وصفی، حکم به حرمت نمود (نوروزیان، ۱۳۹۸: ۲۲). پس شمول این قاعده ناظر به روابط فردی و اجتماعی جامعه اسلامی و جامعه کفار بوده که هر گونه تسلط را در این حیطة نفی می‌کند (مصطفوی، ۱۴۲۱ق: ۲۹۳).

## ۲-۱-۲- سنت

قاعده نفی سبیل از سخنان معصومین (ع) نیز قابل اثبات است. روایات زیادی بر علو و شرافت مسلمانان بر غیرمسلمانان دلالت می‌کنند. مهمترین آن حدیث نبوی علو است که شیخ صدوق آن را روایت کرده است.

قوله (ع): «الاسلام یعلو و لایعلی علیه، و الکفار بمنزلة الموتی لایحجون و لایورثون» (شیخ صدوق، ۱۳۷۱: ۳۳۴).

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———

این حدیث نبوی مشهور به طرق مختلف در منابع روایی شیعه و اهل سنت با مضامین مشابه نقل شده است (الحر العاملی، ۱۳۷۲: ۱۴). در این روایات، پیامبر اعظم در مقام تشریح و قانونگذاری است و نمی‌خواهد از یک امر واقعی خبر دهد. این روایات یک جنبه ایجابی دارد که می‌فرماید: «الاسلام یعلو»، یعنی قوانینی که تشریح می‌شود، باید سبب سرفرازی دین اسلام باشد. جنبه سلبی روایت این است که می‌فرماید: «ولا یعلی علیه»، یعنی قوانینی که سلطه کافران بر مسلمانان را در پی داشته باشد، مشروعیت ندارد (بجنوردی، سیدمحمد، ۱۳۷۲: ۲۲۸-۲۳۱). بنابراین، با توجه به مواردی که از کتابهای فقها ذکر شده، در برداشت تشریحی از این روایات از سوی فقیهان شکی نیست و می‌توان به استناد به این حدیث مشهور نبوی نفی تشریحی سیطره کافران بر مسلمانان را اثبات کرد.

و از باب اجماع هم محصل قطعی داریم که در اسلام حکمی نداریم که موجب تسلط کفار بر مسلمین شود (همان: ۴۱). تبیین دو کلمه کافر و مومن هم دربرگیرنده اقوال متعددی در این آیه است. کافر کتابی و کلامی یا کافر ذمی و حربی دارای تفاوت‌هایی است. در کلام، کفر در انسان، پوشانیدن و کتمان آگاهانه است. از این رو، نوعاً در تعریف کفر، کلمه «جحود» و «انکار» به کار می‌رود که مخالفت آگاهانه و لجاجت‌آمیز را می‌رساند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۸۷)؛ «ذیل ماده جحود». لذا کافر به افرادی در این آیه اشاره دارد که از روی علم و عمد، حق را پوشانده و از روی عناد و لجاج با آن مخالفت ورزند، چنانکه مومن نیز هر مسلمانی است که شهادتین بر زبان جاری کرده و به جامعه مسلمانان وارد شود؛ زیرا که اسلام اولین مرتبه ایمان است (صانعی، ۱۳۹۶: ۲۱).

## ۲-۲- مبنای قاعده وفای به عقود

یکی از مشکلات تمام جوامع بشری در اختلافات فی مابین، عدم پایبندی به تعهدات است. اسلام، آخرین دین الهی، سفارش و توصیه اکیدی به مبنای اخلاقی دارد. قرآن کریم در **سوره‌ها** و آیات شریفه (یس آیه ۶، توبه آیه ۴، مریم ۴۵، مومنون آیه ۸ و بقره آیه ۱۷۷) به صراحت به اصل پایبندی و مفهوم عهد اشاره می‌کند و آن را ریشه در سرشت پاک انسان می‌داند، زیرا که بشر در زندگی‌اش هرگز بی‌نیاز از عهد و وفای به عهد نیست. نه فرد انسان از آن بی‌نیاز است و نه مجتمع انسان، و اگر در زندگی بشر که خاص بشر است، دقیق شویم، خواهیم دید که تمامی مزایایی که از مجتمع و از زندگی اجتماعی خود استفاده می‌کنیم و همه حقوق زندگی اجتماعی ما که با تامین آن حقوق آرامش می‌یابیم، بر اساس عقد اجتماعی عمومی و عقدهای فرعی و جزئی مترتب بر آن عقدهای عمومی استوار است (طباطبایی، ۱۳۷۴ ج ۵: ۲۵۹). پس می‌توان آن را از عالی‌ترین صفات اخلاقی انسان بدون گرایش دینی دانست که «با قبول حس‌گرایی به

\_\_\_\_\_ رابطه قاعده نفی سبیل با معاهده برجام (تعامل یا تعارض) ..... ♦

تعهدات، اصل وفای به عهد را نیز از احساسات فطری او به شمار آورد». خداوند می‌فرماید: «وفوا بالعقود ان العهد کان مسئولا.» (اسراء: ۶) و همه به عهد خود باید وفا کنید که البته (در قیامت) از عهد و پیمان سوال خواهد شد.

پیامبر عظیم‌الشان (ص) در اصل پایبندی به تعهدات و قراردادهای این گونه فرموده که «احسن العهد من الایمان» یا «لا دین لمن لا عهد له» (محمدی ری شهری، ۱۳۱۶ ق: ۲۱۴۷)، (عروضی سمرقندی، النوادر، جلد ۱: ۵). از این رو، قواعد فقهی که حاکم بر احکام فقهی است، قاعده «المومنون عند شروطهم» می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۱: ۹۶). در فقه هم هر عهد و پیمانی مشروط بر ۱. قدرت عملی بر آن ۲. عدم منع شرعی در مستلزم بودن انجام واجب و ترک فعل حرام ۳. عدم مخالفت با کتاب و سنت ۴. روشن و شفاف بودن وجود داشته باشد، آن عهد لازم‌الاجراء است (موسوی بجنوردی، بی‌تا، ج ۳: ۸۹). و اگر یکی از طرفین نقض عهد نماید، طرف مقابل ملزم به وفاداری نیست، چرا که در این صورت قرارداد از ماهیت عقد و پیمان افتاده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴ ج ۴: ۲۴۵). اصل پایبندی به تعهدات و قراردادهای یکی از مهم‌ترین پایه‌های گفتمان سیاست علوی را تشکیل می‌دهد. از منظر اسلام، اجرای این اصل فرازمانی و فرامکانی است و توجه نمی‌کند که طرف مقابل ضعیف است و یا قوی. رویکرد اسلامی خواهان اجرای کامل و مطلق این اصل است. و یکی از مهم‌ترین حلقه‌های وصل حقوق بین‌الملل اسلامی به حقوق بین‌الملل معاصر است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۹۷)، (جوادی آملی، روابط بین‌الملل، ۱۳۹۷).

## ۲-۳ - رابطه بین دو قاعده تعامل و تعارض در فقه اسلامی

روابط دولت اسلامی با افراد غیرمسلمان بر پایه اصولی است که از جمله آنها می‌توان به اصل وفای به عهد اشاره کرد. لذا، هیچ یک از فرائض الهی نیست که همچون وفای به عهد و پیمان، مورد اتفاق مردم جهان با همه اختلافاتی که دارند، باشد. حتی مشرکان زمان جاهلیت آن را مراعات می‌کردند، زیرا عواقب پیمان‌شکنی را آزموده بودند (کعبی، ۱۳۹۷). دو اصل نفی سبیل و وفای به عهد از قواعد فقهی است که می‌تواند مبنای تاسیس، الحاق و یا خروج از سازمان‌ها و قراردادهای و ناظر به کشف نظر فقیه و حاکم به آثار تبعات مثبت و منفی در روابط بین‌الملل باشد. آیه ۲۷۹ سوره بقره «لَا تَظْلِمُونَ و لَا تُظْلَمُونَ»: نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم می‌شود، حاکی از سلطه‌گر نبودن مسلمانان و سلطه‌ناپذیری آنان در ارتباط با اصول فوق دارد. همچنین، مستفاد از آیه ۵۸ سوره انفال؛ (هرگاه از خیانت گروهی بیم داشته باشی، به طور عادلانه مانند آنان لغو قرارداد کن، زیرا خداوند خیانت‌کاران را دوست ندارد.) بنابراین، در صورت تراحم قاعده لزوم وفای به عهد مستفاد از «وفوا بالعقود» با قاعده نفی سبیل، و قاعده نفی سبیل بر اساس عنوان

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———  
ثانویه‌ای که قرارداد پیدا می‌کند، حاکمیت خود را اعمال می‌نماید (رک به خالقی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۷۴). هرچند برخی از فقیهان اعتقادی به حاکمیت قاعده‌ای بر دیگر ادله در زمان تعارض ندارند، اما مقابل این اندیشه، امام خمینی (رض) این قاعده را چون قاعده نفی حرج «ما جعل علیکم فی الدین من حرج، حج/۷۸» بر ادله اولیه احکام حاکم می‌داند (موسوی خمینی، روح‌الله، کتاب البیع، ۱۳۷۸).

## ۲-۴ - حکومت اسلامی و ارتباط با کفار

روابط با دیگران یکی از اساسی‌ترین نیازهای زندگی اجتماعی بشری است. اسلام طبق (آیه ۹۶ سوره اعراف)، دین جهان‌شمول بوده که زمینه تعادل در ارتباط و همزیستی مسالمت‌آمیز با رویکرد به ادیان و شرایع دیگر در چارچوب خاص حاکمیتی خود را بر پایه ایمان، تقوا، و بهره‌برداری از برکات الهی تعیین نموده است. از سوی دیگر، عدم وابستگی اقتصادی و ترس از تجارت مشرکان با مسلمانان، و قرار گرفتن در تحت سیطره آنان، مورد توجه و تذکر باری تعالی بوده «و ان خفتم عیله فسوف یغنیکم الله من فضله ان شاء، ان الله علیم حکیم» (توبه: ۲۸)، و خروج از این نوع روابط را سبب خودکفایی جامعه اسلامی می‌داند. از نظر قرآن، مجموعه غیرمسلمانان، اهل کتاب (یهودی، مسیحی، زرتشتی و صائبی) چون کافران و مشرکان حربی و غیرحربیی به عنوان بیگانه و منافق شناخته می‌شوند و نمی‌توان همان روابط را با آنان داشت که با مسلمانان برقرار می‌شود. خداوند متعال در آیات بسیاری در سوره متعدد قرآن کریم از جمله (مائده ۵۱ و ۵۷، توبه ۲۳ و ۲۷، نساء ۴۴ و ۸۸ و ۸۹، ممتحنه ۱۲۰، آل عمران ۱۱۸) رابطه بین مسلمانان و غیرآنان را در سه سطح مودت (به دلیل آگاهی از اسرار درونی و اطلاعات سری)، تولی و اتخاذ ولی، ممنوع، و با هشدار جدی آن را سبب پشیمانی، انحراف از دین، و خارج شدن از مدار ایمان و تقوا دانسته است. حال اگر این ارتباط بر محور رفع شر خود کافران و تنها راه انحصاری برای دفع باطل باشد، جایز و کفرآمیز نیست. «همچون رسول اکرم(ص) که برای سرکوب اشرار با برخی از مشرکان پیمان نظامی بستند. لذا، ارتباط تنها باید (در حد اظهاره و ابره باشد نه بطانه و آستر)؛ این بدان معنا خواهد بود که جامعه اسلامی تنها می‌تواند کالا خرید و فروش و یا ادوات نظامی را مبادله کند و یا رابطه سیاسی داشته باشد، ولی هرگز نباید این رابطه در سطحی پیش رود که آنها را به درون جانتان و اسرارشان راه دهد (خلیلی‌پور، ۱۳۹۵). موسوی خمینی (ره) می‌فرماید: «اگر در روابط تجاری و غیرتجاری، ترس تسلط سیاسی و غیرسیاسی اجانب بر اسلام و سرزمین‌های مسلمین باشد که موجب **ظهاره** و ابره: پوشش، ضربت زدن با چیز تیز، (abadis.ir) بطانه و آستر: اسرار درونی، (abadis.ir). استعمار آنها و استعمار کشورهایشان شود، هرچند این استعمار معنوی باشد، بر تمامی مسلمانان واجب است از آن دوری



\_\_\_\_\_ رابطه قاعده نفی سبیل با معاهده برجام (تعامل یا تعارض)..... ۵

کنند و این روابط حرام است» (موسوی خمینی، ۱۳: ج ۱: ۴۸۶). طبق اجماع فقهاء، عدم جواز بیع عبد مسلمان به کافر، و عدم تولیت شخص کافر به حق قصاص، عدم تولیت کافر بر وقف مکانی برای مسلمین، عدم قصاص مسلمان در برابر مقتول کافر و عدم جواز درشفعه اگر شریک کافر باشد و عدم تزویج زن مومنه با کافر از مصادیقی است که رابطه را به دلایل موصوف، مجاز ندانسته و آن را ممنوع دانسته است. در تاریخ سیاسی معاصر ایران، تحریم تنباکو توسط آیت‌الله شیرازی و مسئله کاپیتولاسیون توسط موسوی خمینی (رحمه الله علیه) نوعی کاربرد قاعده نفی سبیل در برابر سلطه بیگانگان بوده که با فتوای فقهاء صورت پذیرفت. از این رو، با صراحت قرآن در عزت مومنین «لله العزة و لرسوله و للمومنین» در می‌یابیم که هر نوع جعل حکمی که سبب سلطه کافر بر مسلمان در روابط فی‌مابین شود، جایز و سازگار نیست و این بهترین دلیل است (بجنوردی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۹۲). و باید آیه عزت را اکمل قاعده نفی سبیل و تعیین‌کننده حدود مسلمانان با کفار دانست.

## ۲-۵- دیدگاه فقهای متقدم فریقین در رابطه با قواعد نفی سبیل و اوفو بالعقود

شیخ طوسی، حدیث نبوی «لا یعلو و لا یعلی علیه» را در مورد قواعد شهرسازی و محدودیت ارتفاع ساختمان غیرمسلمانان نسبت به ساختمان مسلمانان به کار برده است (شیخ صدوق، ۱۳۷۱: ۳۳۴)، (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳: ۴۶). وی آیه نفی سبیل را هم مربوط به غلبه مسلمان بر کفار در قیامت دانسته و اگر بخواهیم آن را مربوط به دنیا بدانیم، ناگزیریم آن را به معنی غلبه مسلمان در منطق و احتجاج بر کافران تفسیر کنیم (همان: ۳۶۴)، و اما ابن عربی از مفسران اهل سنت درباره آیه شریفه «فالله یحکم بینهم یوم القیامة»، (نساء، ۱۴۱) معتقد است نفی سبیل در قیامت مراد نیست و آیه را دارای یکی از سه معنی می‌داند: ۱. نفی غلبه کافران بر دولت اسلامی ۲. نفی جعل سبیل و سلطه از سوی خداوند به نفع کافران ۳. نفی سلطه تشریحی (ابن عربی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۵۰۱). طبری هم نفی در آیه را به معنی نفی غلبه یهود یا نفی غلبه در قیامت یا نفی غلبه در احتجاج گرفته است (طبری، تفسیر طبری، ۲۲۴ق، جلد دوم) و صاحب تفسیر کاشف نیز به نفی تشریحی احکام به سود کافران اشاره نموده است (رک، احمدوند و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۷).

همچنین، حکم عدم جعل سبیل به کسانی معلق گردیده که دارای وصف کفر هستند (الکافرین). بر طبق قاعده اصولی «تعلیق حکم بر وصف مشعر به علیت است»، می‌توان چنین برداشت نمود: کافران با وصف «کفرشان» سلطه‌ای بر مومنان با وصف «ایمان» ندارند، یعنی منشا نفی سلطه، کفر ایشان است. با وجود این، اگر فرد کافر دارای وصف دیگری باشد، ممکن است دارای حق و سلطه بر مسلمان گردد. از این رو، سیدمرتضی معتقد است «منافاتی نیست در

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———  
اینکه کافر به دلیل برخورداری از عنوانی مستحق قتردانی شود و به دلیل کفرش مستحق سرزنش باشد، هرچند این شکرگزاری موجب تعظیم او گردد (الاتصار، علم الهدی، سیدمرتضی، ۱۴۱۵.ق).

## ۲-۶ - دیدگاه فقه‌های متاخر در مقام تعارض دو قاعده نفی سبیل و قاعده تعامل

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «بعید نیست که مراد از نفی سبیل بر مومنین، نفی سبیل به طور مطلق باشد، چه در تکوین و چه در تشریح». ایشان در مورد نفی سبیل تکوینی نیز می‌فرماید: «خداوند امکانات مشترکی چون عقل، قدرت و مانند آن در اختیار همه بشر اعم از مسلمانان و کافر قرار داده است؛ با این فرق که مسلمانان علاوه بر برخورداری از امکانات مشترک، به وسیله ملائکه و امدادهای غیبی و مانند آن نیز کمک می‌شوند. چنانچه خداوند در (آیات ۲۵ سوره توبه، ۱۲۵ سوره آل عمران) به آن اشاره می‌کند» و سبیل تشریحی را هم به «ولایت» تفسیر کرده، می‌گوید: «خداوند برای پیامبر (ص) و سپس، ائمه و پس از آن فقهاء، ولایت بر مردم جعل کرده است، در حالی که کفار از چنین حقی محرومند و همچنین، اطلاق آیه اقتضاء می‌کند که حجت مومنین، یعنی همان منطبق و برهان ایشان نیز بر منطق کافران غالب بوده و سلطه داشته باشد» (موسوی خمینی، روح الله، تحریر، جلد اول: ۴۸۶، ۱۳۹۲). در این رویکرد، قاعده تعارض حاکم بر کلیت احکام شریعت مقدسه می‌باشد و می‌تواند برای تمامی احکام حد و مرز مشخص کند (لنکرانی، ۱۴۱۶ق: ۲۴۳). عده‌ای از فقها مفاد قاعده را عام‌تر از احکام شرعی دانسته و بیان کرده‌اند لسان قاعده نفی سبیل، حکومت واقعی بر ادله اولیه است، یعنی به مقتضای این قاعده هر عقد و پیمان و هر معامله و ایقاع و قراردادی به حسب طبع اولی‌اش اگر موجب علو و عزت و شرف کافر بر مسلم بشود، منفی است. و اعتبار حقوقی ندارد به مقتضای قاعده، اگر اطلاق و عموم سبب عزت کافر و ذلت و هوان مسلم شود، این قاعده آن را نفی می‌کند (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج: ۱، ۱۹۳). نتیجه اینکه فقیهان متاخر در قیاس با متقدمان هرگز قائل نیستند که اجنبی کافر بتواند امکان سلطه به مسلمانان پیدا کند؛ در واقع، متاخران قاعده نفی سبیل را بر قاعده تعامل با کفار برتری مطلق داده‌اند.

## ۲-۷ - نفی سبیل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

یکی از اصول مهم و اولیه سیاست خارجی جمهوری اسلامی، نفی و طرد کامل هرگونه ستمگری و ستم‌پذیری در روابط خارجی خود با دولت‌ها و قدرت‌های برتر دیگر است. از دید موسوی خمینی (رحمه الله علیه)، دولت اسلامی دولتی است که «حافظ و مجری شریعت» و

\_\_\_\_\_ رابطه قاعده نفی سبیل با معاهده برجام (تعامل یا تعارض)..... ۵

آموزه‌های اسلامی در جامعه است. ایشان معتقد بودند: ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه‌های آن مکتب خلاصه می‌شود در دو کلمه لا تظلمون و لا تظلمون؛ از اصول مهم است که مسلمانان تحت سلطه کفار نباشند. خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار سلطه بر مسلمانان قرار نداده است و نباید مسلمانان این سلطه کفار را بپذیرند (ا موسوی خمینی ۱۳۸۰: ۱۶ / ۴۰). از نظر جمهوری اسلامی ایران، دولت‌های مسلمان بی‌طرف، آنهایی هستند که اگرچه از نظر اتخاذ مواضع بین‌المللی با جمهوری اسلامی هماهنگی ندارند، ولی از اتخاذ مواضع خصمانه نسبت به جمهوری اسلامی ایران پرهیز می‌نمایند. ضروری است با این نوع کشورها مخصوصاً همسایگان خود روابط اقتصادی و تجاری گسترده‌ای برقرار کرد (گروه سوم) و آنها را از فشارها و قید و بندهای اقتصادی قدرت‌های بزرگ برای اتخاذ مواضع سیاسی و بین‌المللی متناسب با خواست آنها آزاد کرد. اتخاذ این سیاست به آنها کمک خواهد کرد تا سیاست‌های مستقل‌تری را در پیش گیرند (محمدی، ۱۳۷۷: ۳۴). مراد موسوی خمینی از آیه نفی سبیل نفی سلطه ظالم است؛ هر کس که باشد، نه لزوماً کافر باشد. در نتیجه، بر ظلم امریکا نیز قابل تطبیق است. اگر روابط سیاسی ما با دیگر دولت‌ها سبب سلطه آنان و وابستگی سیاسی دولت اسلامی شود، برقراری چنین روابطی هم حرام است و اگر معاهده ای هم بسته باشند، باطل است و بر اساس قاعده نفی سبیل روابط تجاری که مایع سلطه بیگانگان بر حیات اقتصادی مسلمانان شود، حرام است.

ناگفته پیداست که این رویه سیاسی نه تنها در زمان حیات موسوی خمینی (رحمه الله علیه) مبنای روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با جهان اسلام بود که در زمان حال نیز ادامه خواهد یافت. همان‌طور که بند پانزدهم اصل سوم و اصول ۱۴، ۱۱ و ۱۵۲ تا ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با چنین دانش و بینشی تدوین یافته است، تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم، اصلی است که توسط حسینی خامنه‌ای در سه برنامه اخیر ایشان تحت عنوان سیاست‌های کلی نظام برای تدوین برنامه‌های پنج‌ساله به دولت ابلاغ شده است.

## ۲-۷-۱- تعامل ایران با دولت‌های غیراسلامی جهان سوم

جمهوری اسلامی ایران از بعد نفی سبیل و اصل تولی و تبری دولت‌های غیراسلامی، جهان سوم را به سه گروه دسته‌بندی و اولویت‌بندی می‌کند: الف) دولت‌های انقلابی و دارای سیاست مستقل از قدرت‌های استکباری که در میان توده‌های مردم سرزمین خود نیز دارای پایگاه وسیع می‌باشند. جمهوری اسلامی ایران با این گروه روابط حسنه و صمیمانه برقرار کرده و در جهت پایداری چنین سیاستی آنها را تشویق و ترغیب می‌کند؛ کشورهایی همچون کوبا، ونزوئلا، کره شمالی در حال حاضر و نیکاراگوئه در دهه گذشته. ب) دولت‌هایی که لزوماً در اتخاذ سیاست

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———  
بین‌المللی، با ایران همسویی ندارند، ولی با جمهوری اسلامی نیز سر عناد نداشته و مایل به داشتن روابط حسنه با ایران می‌باشند.

با توجه به اینکه اکثر دولت‌ها به علت فقر و وابستگی شدید اقتصادی و سیاسی، مجذوب و مرعوب دولت‌های استکباری هستند، گسترش روابط تجاری و اقتصادی به آنها کمک می‌کند تا فرصت اتخاذ سیاست مستقل‌تری در برابر استکبار جهانی را به دست آورند. تمامی کشورهای آفریقای جنوب صحرای کبیر، آسیای جنوبی، جنوب شرقی و آمریکای لاتین در این دسته‌اند. قاعده فقهی نفی سیل، جمهوری اسلامی را به برقراری رابطه با این کشورها به منظور دوری جستن از سلطه قدرت‌های استعماری و استکباری فرا می‌خواند. لذا، برقراری روابط دیپلماتیک و مناسبات حسنه با این گروه از کشورها الزامی است. (ج) دولت‌های معاند و نژادپرست که یا از لحاظ اتخاذ سیاست‌های بین‌المللی با جمهوری اسلامی در تضاد بوده و یا اینکه با توجه به سیاست‌های نژادپرستانه اصولاً وجود آن دولت‌ها در جهان سوم ساخته و پرداخته قدرت‌های استکباری است، مانند دولت اشغالگر فلسطین (اسرائیل) و دولت نژادپرست سابق آفریقای جنوبی، جمهوری اسلامی نه تنها این نوع دولت‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه تمام تلاش و توان خود را در جهت انزوا و تضعیف آنها به کار می‌برد (محمدی، ۱۳۷۷: ۶۲-۶۱).

## ۲-۸- تعهدات حقوقی و سیاسی ایران و ۱+۵ در برجام

بررسی ابعاد حقوقی و سیاسی برجام، نحوه التزام و پایبندی به تعهدات حاکی از آن است که برجام در واقع تضمینی از سوی ایران در صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای‌اش بوده و نشان از یک تغییر بنیادین در تعامل با سایر کشورهای قدرتمند جهان دارد. بررسی ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ در وین در خصوص معاهدات بین‌المللی، نگرش و انعقاد برجام توسط طرفین مذاکرات هسته‌ای از آن جهت به عنوان یک سند دارای آثار مهمی نسبت به قطعنامه‌های شورای امنیت، پروتکل یادمانی الحاقی معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (N.P.T) است که مسائل حقوقی بسزایی در آن چون الزام طرفین در رفع تحریم‌ها و تبادلات بانکی و مالی گنجانده شده و باعث شده تا بتوان آن را در قالب یک معاهده بین‌المللی تجاری دانست؛ اما این بدان معنا نیست که برجام تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل قرار دارد. به عبارت دیگر، برجام ناشی از اراده دولتها و پذیرفتن داوطلبانه تعهدات از سوی طرف ایرانی نگارش شده و دولت ایران به کرات از واژه داوطلبانه استفاده کرده است؛ خاصیت ویژه این تعهدات بازگشت‌پذیر بودن آنهاست و در صورت نقض آن از سوی یکی از طرفین، طرف نقض‌کننده ملزم به توقف، عدم تکرار و جبران خسارت به طرف مقابل و اعاده به وضع سابق خواهد بود (بازیار: ۱۳۹۶).

رئیس هیات فنی تیم مذاکره‌کننده در گزارش خود نوشت: ماهیت این سند البته در نهایت

\_\_\_\_\_رابطه قاعده نفی سبیل با معاهده برجام (تعامل یا تعارض)..... ۵

حقوقی نیست، بدین معنا که متن نهایی تفاهم برای تصویب به مجالس قانون گذاری کشورهای طرف تفاهم ارسال نمی شود؛ چرا که اولاً سند حاوی تعهدات سیاسی و داوطلبانه است و ضمانت اجرای آنها سیاسی و اخلاقی است و این ضمانت اجراهاست که انگیزه و امکان تخطی دولت‌ها را از بین می‌برند، چون نافی تکالیف و الزامات حقوقی داخلی است (بعیدی نژاد ۱۳۹۴: ۸). لذا، برجام یک توافق سیاسی در خصوص حل مسائل کلیدی مربوط به پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی و لغو تحریم‌ها و قطعنامه‌های یک‌جانبه و چندجانبه شورای امنیت، اتحادیه اروپا و ایالات متحده علیه ایران است و از آنجا که ماهیت سیاسی داشته و حاصل یک تفاهم تاریخی سیاسی است، قطعاً اجرای آن بر اساس اقدامات متقابل خواهد بود (بازیار: ۱۳۹۶). باید این گونه بیان داشت که در برجام از معاهده بودن آن حرفی به میان نیامده است. ادبیاتی که در آن پیش‌بینی شده، کاملاً با ساختار حقوقی تصویب معاهدات الزام‌آور حقوقی متفاوت است.

## ۲-۹- دیدگاه جمهوری اسلامی ایران در تقابل با آمریکا

برجام در سیاست داخلی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران چه قبل و چه پس از توافق، و حتی بعد از خروج آمریکا باعث شکل‌گیری آرای متفاوت در بین تحلیلگران عرصه سیاسی و دینی شد. مقام معظم رهبری با اشاره به بدعهدی‌ها و خباثت‌آمیزی‌ها و برخی کشورهای اروپایی گفتند: (ما نتیجه اتکاء به خارجی‌ها را در قضیه برجام مشاهده و در قضیه مذاکرات هسته‌ای به آنها اعتماد کردیم، اما سودی نبردیم (۲۷ شهریور ۹۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی). بی‌اعتمادی ایران به آمریکا صرفاً یک شعار نیست، بلکه مبتنی بر تجربه گذشته، رفتار کنونی و داشتن تحلیل واقع‌بینانه از اهداف سلطه‌جویانه آمریکا است. اینکه برجام با کارشکنی‌های آمریکا نتوانسته به اهداف از پیش تعیین شده برسد، سخنی مبتنی بر واقعیت است که این روزها به دغدغه جهانی تبدیل شده است و نگرانی‌ها در این باره زیاد به گوش می‌رسد.

رفتار آمریکا و برخی کشورهای اروپایی از جمله فرانسه اکنون فراتر از موضوع هسته‌ای است و به حوزه مسائل دفاعی ایران تسری پیدا کرده است و این معنایش مداخله با زورگویی و هدف‌اش تضعیف ایران از درون است. ایشان با نگاهی عمیق به این مسئله خاطرنشان کردند: «این برجام شد برای ما یک نمونه، یک تجربه. در ظاهر وعده می‌دهند، با زبان چرب و نرم حرف می‌زنند، اما در عمل توطئه می‌کنند، تخریب می‌کنند، مانع از پیشرفت کارها می‌شوند؛ اما آمریکا باید به تجربه آموخته باشد که جمهوری اسلامی ایران راهی را انتخاب خواهد کرد که منافع و آینده‌اش تضمین شود و با در نظر گرفتن سناریوهای آمریکا در برجام، سیاست‌هایی متناسب با آن اتخاذ خواهد کرد» (خط حزب‌الله، ۱۳۹۵).

### نتیجه گیری:

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به استناد اصول ۱۱ و ۱۴ و ۱۵۲ تا ۱۵۴ قانون اساسی خود هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری را نفی و حفظ استقلال را از اصول اولیه خود برشمرده و با اتکاء به سخن باری تعالی و عمل به سیره و سنت رسول اکرم(ص) چون صلح حدیبیه و حلف الفضول و صلح امام حسن (ع) و مبانی فقهی و احکام خود در روابط با غیرمسلمانان و کفار، هر گونه قراردادی را که موجب خدشه به عزت و تزلزل استقلال کشور شود، ملغی می‌داند. ایران با استمداد بر آیه «وفوا بالعقود» یا «قاعده تعامل» در برنامه جامع مشترک با طرفین مذاکره کننده به دنبال خروج از فصل هفت منشور سازمان ملل و منتفی کردن قطعنامه شورای امنیت علیه خود و اقناع جامعه جهانی در بهره گیری از علم و دانش صلح آمیز هسته ای با راستی آزمایی و طبق تعهدات فی مابین بوده است، لیکن خروج یک طرفانه آمریکا در سال ۲۰۱۷ م، از برجام و دیگته شروط جدید برخلاف مفاد آن، و با امعان نظر در اینکه برجام یک سند حقوقی و معاهده بین المللی نیست و حاوی تعهدات سیاسی و داوطلبانه بوده که ضمانت اجرای آن سیاسی و اخلاقی است و تاکنون نیز جمهوری اسلامی از آن تخطی نکرده و همواره پابندی خود را ثابت کرده، بنابراین به دلیل خوی استعماری آمریکا و نقض مندرجات آن، طبق نص صریح شارع مقدس در آیات متعدد قرآن کریم من جمله آیه ۱۴۱ سوره نساء (نفی سبیل) و حدیث نبوی «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» و نظر اجماعی فقهای متقدم و متاخر شیعه و سنی در حاکمیت قاعده تعارض بر قاعده تعامل در چنین موقعیت هایی که پابندی به تعهد، خوف تسلط کفار و بیگانگان می‌رود، مسئولین و مدیران ارشد نظام می‌بایست با اتکاء به خداوند متعال و برابر دیدگاه های ارزشمند موسوی خمینی و حسینی خامنه ای، از ادامه مسیر اجتناب، و با خروج از برجام، راه خودکفایی و استقلال و عزت ایران اسلامی را در پیش گیرند.

## منابع

### الف: منابع فارسی

#### - قرآن کریم

- ابن منظور، محمدبن مكرم (۱۴۰۸ق). **لسان العرب**، بيروت، دارالتراث العربی.
- اراکی، محمدعلی. **کتاب البیع (تقریرات حائزی یزدی)**، چاپ: ۱۴۱۵، ق، قم، موسسه اسماعیلیان.
- احمدوند، محسن و قبولی، محمدتقی و فخلعلی، محمدتقی (۱۳۹۵). **مجله فقه سال ۲۳**، بهار، شماره ۱، صص ۱۵۰-۱۲۳.
- احمدی طباطبایی، سیدمحمدرضا و آرام، محمدرضا (۱۳۹۳). **اندیشه‌های حقوق عمومیریا**، سال چهارم شماره اول، پیاپی پاییز و زمستان.
- اصفهانی، راغب (۱۳۸۷ش). **المفردات فی غریب القرآن**، دمشق، بیروت، دارالقلم.
- اصفهانی، سیدابوالحسن. **وسیله النجات**، بی‌تا، قم، بی‌تا.
- انصاری، مرتضی بن محمد (۱۴۱۵ق). **المکاسب**، کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۱ق). **المکاسب**، قم منشورات دار الذخائر.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر (۱۴۰۸). **احکام القرآن**، دارالجیل.
- برکی، علی (۱۳۸۱ش). **سیاست خارجه و روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی**، تهران، انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره).
- برآبادی، حمید (۱۳۹۷). **مجله فقه و اصول «فقیهانه»**، سال سوم، بهار شماره ۶، صص ۴۳-۳۴.
- بجنوردی، سیدحسن آقا بزرگ (۱۴۱۹ق). **القواعد الفقهیه**، الهادی، قم.
- بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۷۲ش). **القواعد الفقهیه**، تهران، نشر بنیاد.
- بازیار، احمد (۱۳۹۶). **اولین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی**.
- بعیدی‌نژاد، حمید (۱۳۹۴). **گام به گام با برجام از آغاز تا فرجام**، تهران، نشر مخاطب، چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶ش). **روابط بین‌الملل در اسلام**، موسسه اسراء.
- حرالعاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ق). **وسائل الشیعه**، قم، آل بیت.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۵ش). **البیع**، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۵ش). **تحریر الوسیله**، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸). **صحیفه**، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۰). **صحیفه نور**، تهران، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

- ◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———
- خمینی.
- راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق). **المفردات فی غریب القرآن**، دارالعلم، بیروت، ج ۱، ص ۱۸۷ «ذیل ماده جحد».
- رضایی، مجید و هاشمی، سید محمدعلی (۱۳۹۱). **پژوهشنامه متین**، سال چهارم، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۱.
- زمانی، محسن و نیاکویی، سید امیر (۱۳۹۸). **مطالعات روابط بین الملل**، دوره ۱۲، شماره ۴۵، صص ۸۵-۱۰۰.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۷ش). **فقه سیاسی اسلام**، قم.
- صراف سیمایی، حسین (۱۳۷۹). **مجله دادرسی شماره ۲۰ خرداد و تیر**، صص ۲۷-۲۴.
- صانعی، یوسف (۱۳۹۶). **قاعده «نفی سبیل» مفاد و ادله**، مجله مطالعات فقه معاصر پاییز و زمستان صص ۲۲-۷.
- طباطبایی، سیدمحمدحسن (۱۳۷۴). **ترجمه میزان**، سید محمد باقر موسوی، همدانی، قم، انتشارات اسلامی.
- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۲ش). **العروه الوثقی**، تهران، الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن محمد (بی تا). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**.
- طبری، محمد بن جونیر (بی تا). **تفسیر طبری**، (بی نا).
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دارالاحیاء العربی.
- علم الهدی، سید مرتضی (۱۴۱۵ق). **انتصار**، نشر اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸). **فقه سیاسی: حقوق معاهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام تهران**، سمت.
- عمید زنجانی، عباسعلی (ق ۱۳۹۶ش). **واعدفقه**، جلد سوم، شماره ۳۲-۳۱، تهران، سمت.
- کعبی، عباس (۱۳۹۷ش). **ضمانت های اجرایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۱۶ق). **القواعد الفقہیہ**، قم، انتشارات مهر.
- محقق داماد، مصطفی. **سیر نگارش قواعد فقهی در میان فقهای امامیه**، بی تا، فرهنگستان علوم ایران.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۲ش). **قواعد فقه**، جلد اول، بخش مدنی، تهران، مرکز نشر اسلام.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). **بحار الانوار**، بیروت دار الاحیاء التراث الاسلامی.
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ ق). **القواعد مائۀ قاعده فقہیہ**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مقدس اردبیلی، احمدبن محمد (بی تا). **زوبده البیان**، تهران، مکتبه الرضویه.



- \_\_\_\_\_رابطه قاعده نفی سبیل با معاهده برجام (تعامل یا تعارض)..... ۵
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیه.
  - موسوی بجنوردی، سید میرزا حسن (بی تا). **القواعد الفقهیه**، قم، دارالکتب العلمیه.
  - ملاکریمی، امید و جلالی، محمود (۱۳۹۶). **فصلنامه حقوقی عمومی دوره ۴۷**، شماره ۱ بهار صص ۷۳-۵۱.
  - محمدی ری شهری، محمد (۱۴۱۶ق). **میزان الحکمه**، قم، دارالحديث.
  - محمدی، منوچهر (۱۳۷۷). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، نشر دادگستر.
  - نوروزیان، امیر (۱۳۹۸). **فقه و اصول «فقیهان»**، تابستان سال چهارم، شماره ۱، فصص ۲۳-۶.